

بررسی تطبیقی یکسان‌سازی ترجمه اسم، فعل و حرف

در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم

علی حاجی خانی^۱

مهدی ناصری^۲

حسن برزنونی^۳

(تاریخ دریافت: 1395/07/24؛ تاریخ پذیرش: 1395/10/25)

چکیده

یکی از اصول بسیار مهمی که تاکنون در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، توجه به سزایی به آن نشده است، اصل یکسان‌سازی در ترجمه مشابهات است. این مشابهات به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که لازم است مترجمان در ترجمه قرآن بدان توجه لازم را داشته باشند. مترجم باید برای منسجم‌تر شدن ترجمه، اصول یکسان‌سازی را رعایت نماید؛ یکسان‌سازی در ترجمه اسم‌های مشابه، فعل‌های مشابه، حروف مشابه، ترکیب‌ها و عبارات مشابه، جمله‌های مشابه، آیات مشابه و ساختارهای نحوی و صرفی مشابه. این مقاله برآن است تا اصول یکسان‌سازی و یا انسجام در ترجمه را بر اساس محورهای یاد شده در ترجمه‌های سه گانه قرآن یعنی ترجمه‌های تحت اللفظی، ترجمه‌های وفادار، و ترجمه‌های تفسیری مورد نقد و بررسی قرار دهد. شیوه کار در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و به صورت کتابخانه‌ای به انجام رسیده است. در همین راستا، با توجه به تقسیم‌بندی ترجمه‌ها، به بررسی و تحلیل اصول یکسان‌سازی پرداخته شده، و نتایج پژوهش با استناد از شواهد ترجمه‌ها، به صورت جدول آمده است. در ادامه در بررسی کلی از بحث، نموداری در جهت فهم صحیح‌تر و درک بهتر از ترجمه‌های موجود ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، ترجمه‌های معاصر، روش‌شناسی، یکسان‌سازی.

1. مقدمه

1-1. طرح مسئله

ترجمه قرآن که گفته می‌شود با ترجمه سوره فاتحه کتاب توسط سلمان فارسی آغاز گشته است، در سه دهه‌ی گذشته به برکت شکل‌گیری نظام اسلامی در ایران، به والاترین جایگاه تاریخی خود رسیده است. ترجمه قرآن کریم پس از انقلاب اسلامی، کارنامه‌ی پربرگ و باری داشته و شاید بتوان گفت که بیشترین ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی در همین دوره منتشر شده است؛ که همین موجب گشته برخی این دوره را نهضت ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی

1. ali.hajikhani@modares.ac.ir

mahdinaseri23@yahoo.com

hasanbarzanoni@yahoo.com

1. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول).

2. عضو هیأت علمی دانشگاه قم.

3. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم.

بدانند. ضرورت ارائه‌ی ترجمه‌ای دقیق و روان از قرآن در عصر کنونی موجب گشته است تا ترجمه‌های بسیاری با شیوه‌های گوناگون به رشته‌ی تحریر در آید. بیشتر این ترجمه‌ها، ترجمه‌های مطابق با متن قرآن به شمار می‌آیند که توجه شایانی نیز به روان بودن و شیوایی نثر فارسی داشته‌اند.

در این میان در کنار نشر ترجمه‌های ارزشمند و گرانسنگ قرآن به زبان فارسی، مقالات متعددی نیز تاکنون در نقد و معرفی این ترجمه‌ها منتشر شده است که در این مقالات صاحب نظران فراوانی درباره این ترجمه‌ها قلم زده‌اند و اظهار نظرهای عالمانه، دقیق و گاه موشکافانه‌ای در مورد ترجمه قرآن و آسیب‌های آن داشته‌اند که برای مترجمین بعدی بسیار سودمند بوده و آنان را از لغزش‌های خرد و کلان نگاه داشته است. اما از جمله مباحثی که در این خصوص تاکنون بدان توجه شایانی نشده است، یکسان سازی در ترجمه مشابهاات قرآن است. این مشابهاات خود به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که لازم است در ترجمه قرآن کریم آنها را همانند و یکسان ترجمه کرد. اصول یکسان سازی ترجمه عبارت است از: 1- یکسان سازی در ترجمه اسم‌ها. 2- یکسان سازی در ترجمه فعل‌ها. 3- یکسان سازی در ترجمه حروف. 4- یکسان سازی در ترجمه ترکیب‌ها و عبارات مشابه. 5- یکسان سازی در ترجمه جمله‌های مشابه. 6- یکسان سازی در ترجمه آیات مشابه. 7- یکسان سازی در ترجمه ساختارهای نحوی و صرفی مشابه.

با توجه به گسترده بودن مبحث یکسان سازی و انسجام ترجمه، این مقاله قصد دارد تا اصل یکسان سازی را در گستره اسم‌ها، فعل‌ها و حروف مشترک و در ترجمه‌های سه گانه تحت اللفظی، وفادار و تفسیری مورد بررسی قرار دهد.

2-1. پرسش‌های پژوهش

1. رویکرد اصل یکسان سازی بر بررسی ترجمه‌های معاصر قرآن به چه صورت مورد کاوش و واکاوی قرار می‌گیرد؟

2. موارد یکسان سازی ترجمه در ترجمه‌های معاصر شامل چه مولفه‌ها و همبستگی‌هایی می‌شود؟

3. بررسی و تطبیق شبکه‌های مختلف یکسان سازی در ترجمه‌های سه گانه قرآن کریم چه مشخصه‌ها و دستاوردهایی را در پی دارد؟

پاسخ گویی به مجموعه این پرسش‌ها، ضرورت کاویدن و تطبیق اصل یکسان سازی در ترجمه معاصر از ترجمه‌های فارسی قرآن کریم را سبب شده است.

3-1. فرضیه‌های پژوهش

گمانه‌های اصلی پژوهش به قرار ذیل است:

1. به نظر می‌رسد ترجمه‌های تحت اللفظی باید بیشترین میزان همخوانی را با نص قرآن داشته و به اصل یکسان سازی در ترجمه پایبند بوده باشند.

2. گمانه می‌رود در میان ترجمه‌های وفادار، ترجمه رضایی اصفهانی و ترجمه انصاری است که پایستگی اصل یکسان سازی در ترجمه‌های رویه‌های مشترک قرآنی را به منصف ظهور رسانده‌اند.
3. در ظاهر چنین است که مترجمان در ترجمه‌های تفسیری توجه و اهمیتی به این اصل مهم نداشته؛ به گونه‌ای که برابری اسم‌ها، افعال و حروف مشابه را به شکل‌های گوناگون در زبان فارسی جایگزین نموده‌اند.

1-4. پیشینه پژوهش

بر اساس جستجو‌هایی که توسط نگارندگان انجام گرفته است، موضوع مورد بحث چه به صورت کتاب و یا اینکه در قالب مقاله مستقل صورت پذیرفته است. از این رو پژوهش حاضر، رویکردی جدید و نگرشی نوین در پردازش ترجمه‌های معاصر فارسی از قرآن کریم به شمار می‌آید. از طرفی بیان این مطلب ضروری می‌نماید که در ارتباط با کاوش ترجمه‌های قرآن کریم چنان که پیداست مقالات متعددی تاکنون در نقد و معرفی آن‌ها در مجلات ترجمان وحی، بینات، پژوهش‌های قرآنی، مترجم، مطالعات قرآنی و... منتشر گردیده است که در این مقالات، پژوهشگران فراوانی درباره ترجمه‌های قرآنی، دست به قلم شده و به معرفی، نقد و بررسی آن‌ها پرداخته‌اند. از دیگر سو نقد و بررسی ترجمه‌های قرآن کریم، و شناسایی بهترین و ارزشمندترین آن‌ها و نیز سبک‌شناسی گونه‌های مختلف و واکوی هم‌سازی و ناهم‌سانی متن مقصد با زبان مبدا می‌تواند گامی موثر و زمینه‌ای کار ساز جهت کارآمدی و پیدایش کیفیت ترجمه قرآن کریم باشد. گفتنی است که شمارش مقالات و کتاب‌هایی که در زمینه نقد و بررسی و معرفی ترجمه‌های قرآن کریم به فارسی نگاشته شده است در این فرصت محدود و مجال اندک نمی‌گنجد چرا که تا به امروز بیش از صدها اثر در قالب کتاب و مقاله انجام گرفته است و خود نیازمند نگارش تالیفی مستقل به صورت گزارشی از موردکاوی نوشتارها می‌باشد.

1-5. ضرورت و اهمیت پژوهش

در خصوص ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی همواره این پرسش مطرح بوده است که بهترین ترجمه قرآن کدام است؛ ترجمه‌ای که بتواند به وظیفه خویش عمل نموده و در عین پابندی به زبان قرآن کریم، مضامین آسمانی آن را نیز در قالب و ساختار زبان فارسی بازآفرینی نماید. با توجه به گستره و وسیع در مولفه‌های مورد بحث در ترجمه‌های قرآن کریم، این نوشتار بر آن شد تا اصل یکسان سازی را در ترجمه‌های سه گانه معاصر مورد بررسی و تطبیق قرار دهد؛ تا از این رهیافت، به نمونه‌های دقیق و نکته‌های اساسی در گزینش برترین ترجمه از این منظر برسد.

2. یکسان سازی ترجمه در ترجمه‌های تحت اللفظی

مترجم در این شیوه از ترجمه بر آن است تا واژه‌های زبان مبدا را بدون توجه به ساختارهای نحوی زبان مقصد ترجمه کند، به گونه‌ای که در ذیل هر واژه در زبان مبدا برابری فارسی آن را قرار می‌دهد. نیومارک در بیان ترجمه

تحت اللفظی اظهار می‌دارد که: «در این نوع ترجمه ساختارهای دستوری زبان مبدأ به شبیه ترین معادل‌های آنها در زبان مقصد تغییر داده می‌شوند، اما در این روش هم، معنی قاموسی کلمات بدون توجه به متن ترجمه می‌شوند.» (نیومارک، 1382: 57)

بدین سان این گونه از ترجمه را باید ترجمه واژگانی و یا ترجمه واژه به واژه نامید؛ زیرا واژگان متن مبدأ در آن از نظر لغوی، و نه از نظر معنایی و محتوایی، یک به یک به زبان مقصد منتقل می‌شوند؛ تا جایی که باید گفت محتوا و پیام متن مبدأ فدای ترجمه واژه به واژه می‌گردد.

ترجمه‌های تحت اللفظی که در عصر کنونی رایج هستند عبارتند از:

1- ترجمه شاه ولی الله دهلوی. 2- ترجمه ابو الحسن شعرانی. 3- ترجمه محمد کاظم معزی. 4- ترجمه محمود اشرفی تبریزی. 5- ترجمه عباس مصباح زاده.

در این بخش، ترجمه‌های تحت اللفظی را از دیدگاه اصول یکسان سازی ترجمه در ترجمه اسم‌های مشابه، فعل‌های مشابه، و حروف مشابه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم:

2-1. ترجمه اسم‌های مشابه:

«عَزِيزٌ»: در لسان العرب ذیل کلمه (عزیز) آمده است: «العَزِيزُ: من صفات الله عزّ و جلّ و أسمائه الحسنی قال الزجاج: هو الممتنع فلا يغلبه شیء، و قال غيره: هو القوی الغالب كل شیء، و قيل: هو الذی لیس کمثله شیء...» (ابن منظور، 1414: 374)

(فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ O (البقره/209)

پس اگر به لغزیدید بعد از آن که آمد بشما سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب داناست (دهلوی) ... پس بدانید که خدا غالب درست‌کردار است. (مصباح زاده)

پس بدانید که خدا است عزّتمند حکیم (معزی) ...

پس بدانید که خدا غالب درست‌کردار است ... (شعرانی)

... پس بدانید که خدا غالب درست‌کردار است (اشرفی)

(فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلَفًا وَعَدَهُ رَسُولُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ O (ابراهیم/47)

پس مپندار خدا را خلاف کننده وعده خود را با رسولان خود هر آئینه خدا غالب صاحب انتقام است (دهلوی)

... که خدا غالب صاحب انتقام است (مصباح زاده)

... همانا خدا عزّتمند است دارای انتقام است (معزی)

... که خدا غالب صاحب انتقام است (شعرانی)

... که خدا غالب صاحب انتقام است (اشرفی)

چنانکه ملاحظه می‌شود واژه (عزیز) در آیات مذکور به یک لفظ و معنا آمده است، از این روی ترجمه‌های تحت اللفظی نیز این واژه را در همه جای قرآن به یک شکل ترجمه کرده‌اند. برای نمونه آقای معزی آن را در همه جای قرآن به (عزتمند) و سایر مترجمان محترم نیز این واژه را در همه جای قرآن به (غالب) ترجمه کرده‌اند. همچنین واژه عزیز در آیات زیر دارای اشتراک لفظی و معنایی است، که در این مجال مختصر تفصیل آن نمی‌گنجد، لذا تنها به ذکر آدرس آیات بسنده می‌کنیم: البقره/220، البقره/228، البقره/240، البقره/260، آل عمران/4، المائدة/38، المائدة/95، الأنفال/10، الأنفال/49، الأنفال/63، الأنفال/67، التوبة/40، التوبة/71، الحج/40، الحج/74، لقمان/27، فاطر/28، و الحديد/25.

بدیهی است ترجمه‌های تحت اللفظی به طریقی کامل و واضح مقید به یکسان سازی ترجمه اسم‌های مشابه هستند، اما در برخی موارد گاهی به این اصل توجهی ندارند، چنان که در آیات زیر مشهود است:

«وکیل»: «الْوَكِيلُ فِعْلٌ بِمَعْنَى الْمَفْعُولِ. قَالَ تَعَالَى: (وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا) (النساء/ 81) أی: اکتف به أن يتولى أمرک، و يتوكل لک، و علی هذا: (حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ) (آل عمران/ 173)، (وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ) (الأنعام/ 107)، أی: بِمُوكِّلٍ عَلَيْهِمْ وَ حَافِظٍ لَهُمْ...» (راغب اصفهانی، 1412: 882)

(ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ) (الأنعام/ 102)

آنست خدا پروردگارتان نیست خدائی مگر او که آفریدگار همه چیز است پس بپرستید او را و او بر همه چیز کارگذار است (اشرفی)

... و او بر همه چیز کار گذار است (شعرانی)

... و او است بر همه چیز نگهبان (معزی)

و او بر همه چیز کارگذار است (مصباح زاده) ...

... و او بر هر چیز کارسازست (دهلوی)

(وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ) (هود/ 12) ...

... خدا بر آنچه میگوئیم وکیل است (اشرفی)

... خدا بر همه چیزی وکیل است (شعرانی)

خدا بر آنچه میگوئیم وکیل است (مصباح زاده) ...

خدا است بر آنچه گوئیم وکیل (معزی) ...

خدا بر آنچه میگوئیم نگهبانست (دهلوی) و...

در ترجمه‌های فوق ملاحظه می‌شود که کلمه (وکیل) با عبارتهای متفاوتی ترجمه شده است، در حالی که این واژه در بسیاری از آیات قرآن با لفظی و معنایی واحد آمده است. بنابراین در مورد این واژه اصل یکسان سازی رعایت نشده است.

«کم»:

(وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلا تَحِثْ بِمَنَاصِبِنا) (ص/3)

بسا که هلاک گردانیدیم از پیش ایشان از اهل روزگار گذشته پس ندا کردند و نبود آن هنگام هنگام گریز (شعرانی) و بسا نبود ساختیم پیش از ایشان... (معزی)

(وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشاً فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ) (ق/36)

و بسیار هلاک گردانیدیم پیش از ایشان از قرنی که آنها سختتر بودند از ایشان در قوت پس راه انداختند در بلدها آیا هیچ بود گریزگاهی. (شعرانی)

و بسا هلاک کردیم پیش از ایشان... (مصباح زاده)

چه بسا نبود کردیم پیش از ایشان... (معزی)

و بسا هلاک کردیم پیش از ایشان... (اشرفی)

(وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثاثاً وَرِءِياً) (مریم/74)

و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقه مردمان را که بهتر بودند باعتبار رخت خانه و از روی نموداری (دهلوی) و چه بسیار هلاک گردانیدیم پیش از ایشان... (مصباح زاده)

و چه بسیار هلاک گردانیدیم پیش از ایشان... (شعرانی)

و چه بسیار هلاک گردانیدیم پیش از ایشان... (اشرفی)

(وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ رَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبيراً بَصِيراً) (الإسراء/17)

و بسا کس را هلاک کردیم از طبقات مردمان بعد نوح و بس است پروردگار تو بگناه بندگان خود دانا بینا (دهلوی) و بسا هلاک کردیم... (معزی)

و بسیار هلاک گردانیدیم... (مصباح زاده)

همان گونه که مشاهده می شود کم در آیات مذکور خبریه و کنایه از کثرت و در محل مفعول به واقع شده است. این

کلمه با لفظ و معنایی واحد آمده، اما در ترجمه های دهلوی، اشرفی، و... با الفاظی متفاوت معنا شده است.

نویسندگان ضمن بررسی آیات مزبور به مطالب مندرج در جدول زیر دست یافته است:

موارد مشابه در لفظ و معنا	یکسان‌سازی در ترجمه	توضیحات
اسم‌ها	+	با اینکه ترجمه‌های تحت اللفظی در بیشتر موارد اصل یکسان‌سازی را در ترجمه اسم‌های مشترک رعایت می‌کنند، ولی در برخی موارد نیز این ترجمه‌ها، اسم‌های مشترک را به شکل‌های گوناگون ترجمه می‌کنند.
فعل‌ها	-	در بیشتر موارد ترجمه‌های تحت اللفظی، اصل یکسان‌سازی در ترجمه فعل‌های مشترک را رعایت نمی‌کنند.
حروف	-	در بیشتر موارد ترجمه‌های تحت اللفظی، اصل یکسان‌سازی در ترجمه حروف مشترک را رعایت نمی‌کنند.

2-2. ترجمه افعال مشابه

1-2-2. «يَشْكُرُونَ» و «لَا يَشْكُرُونَ» در ترجمه:

- أ- دهلوی: سپاس نمی‌کنند (البقرة/243)، شکرگزاری می‌کنند (الأعراف/58)، سپاس‌گذاری نمی‌کنند (یونس/60)، شکر نمی‌کنند (یوسف/38)، شکر نمی‌گذارند (یس/73).
- ب- مصباح زاده: شکر نمی‌کنند (البقرة/243)، شکرگزاری کنند (إبراهیم/37)، سپاس ن گزارند (غافر/61).
- ج- معزی: سپاس نمی‌گزارند (البقرة/243)، شکر گزارند (الأعراف/58)، سپاس ن گزارند (یونس/60).
- نکته قابل ذکر در مورد مثال‌های پیشین این است که فعل «يَشْكُرُونَ و لَا يَشْكُرُونَ» در آیات یاد شده به یک لفظ و معنا به کار رفته است، این در حالی است که مترجمان محترم به این امر توجه نکرده و فعل مذکور را به اشکال مختلف ترجمه کرده‌اند که خود بیانگر توجه ناکافی آن‌ها به یکسان‌سازی فعل‌های مشابه در ترجمه قرآن کریم است.

2-2-2. «يُنْفِقُونَ» در ترجمه‌های معزی و شعرانی و اشرفی:

- أ. معزی: ببخشند (البقرة/3)، انفاق کنند (البقرة/215)، ببخشند (البقرة/261)، می‌بخشند (البقرة/265)، دهند. (النساء/38).
- ب. شعرانی: انفاق می‌کنند (البقرة/3)، صرف می‌کنند (التوبة/91)، نفقه می‌کنند (الشوری/38).
- ج. انفاق می‌کنند (البقرة/3)، صرف می‌کنند (التوبة/91).
- ترجمه‌های فوق گواه بر این است که ترجمه‌های تحت اللفظی، الفاظی را که دارای معانی یکسان هستند، با تعبیری گوناگون ترجمه می‌کنند، و این شیوه بر عدم توجه دقیق و تعهد کامل آنها در ترجمه افعال صحه می‌گذارد.

2-3. ترجمه حروف مشابه

در ترجمه‌های تحت اللفظی شاید سسته است که مترجم حرفی که دارای اشتراک لفظی و معنایی می‌باشند را نیز به صورت واحد ترجمه کند، که این امر نقش بسیار مهمی در ایجاد انسجام در ترجمه خواهد داشت. در این گفتار به ذکر نمونه‌ای از ترجمه یکی از حروف تنبیه (الا) اکتفا می‌کنیم:

2-3-1. حرف تنبیه (ألا)

(أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ O (البقرة/12)

آگاه باشید که آنها فساد کنندگانند و لکن نمیدانند (شعرانی)

همانا آنانند مفسدان و لیکن در نمی‌یابند (معزی)

آگاه باشید که آنها فساد کنندگانند و لکن نمی‌فهمند (مصباح زاده)

آگاه شو بتحقیق ایشانند تباہ کاران و لیکن آگاه نمی‌شوند (دهلوی)

(وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَتُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ O (البقرة/13)

و چون گفته شود مر ایشان را که بگروید هم چنان که گرویدند مردمان گویند آیا بگرویم هم چنان که گرویدند

بیخردان آگاه باشید که ایشانند بیخردان و لیکن نمی‌دانند (شعرانی)

همانا ایشانند بی‌خردان و لیکن نمی‌دانند (معزی) ...

آگاه باشید که ایشانند خود بی‌خردان و لکن نمیدانند (مصباح زاده) ...

آگاه شو بتحقیق ایشانند بیخردان و لیکن نمیدانند (دهلوی) ...

و نیز ترجمه این حرف (الا) در آیات ذیل مانند شواهد ذکر شده آمده است، که نمونه‌های آن را یادآور می‌شویم:

البقرة/204، الأنعام/31، الأنعام/62، الأعراف/54، الأعراف/131، التوبة/99، یونس/55، یونس/62، یونس/66، هود/5،

هود/8، هود/18، هود/60، هود/68، هود/95، الرعد/28، النحل/59، و...

(الا) در این آیات با لفظی مشترک و معنایی واحد بیان شده است، که مترجمان، آن را با لفظی مشترک آورده‌اند.

گرچه ترجمه‌های تحت اللفظی سعی بر یکسان سازی در ترجمه حروف می‌کنند، اما در برخی موارد، ترجمه‌ای یکسان

ندارند. که نمونه‌های زیر گواهی بر این ادعا خواهند بود:

3. ترجمه‌های وفادار

همانطور که در بخش‌های پیشین اشاره شد این گونه از ترجمه نیز ترجمه‌ی بی‌استه‌مقید، اما نه فقط به متن مبدأ،

بلکه به ساختارهای زبانی زبان مقصد نیز کاملاً مقید و وابسته است. در این نوع از ترجمه، که می‌توان آن را ترجمه

وفادار و یا ترجمه معادل نیز نامید، مترجم می‌کوشد تا علاوه بر برابری واژگان زبان مبدأ در زبان مقصد، این واژگان را

در قالب دستوری زبان مقصد بریزد. بدین سان که مترجم چینش و ترتیب واژگان متن قرآن را به هم زده و تلاش می‌کند تا محتوا و پیام و همچنین نکات ظریف و بلاغی و ساختاری متن مبدأ را به ساختارهای طبیعی و معیار زبان و متن مقصد بیان کند.

باید گفت این نوع ترجمه - ترجمه وفادار و یا معادل - که حد فاصل میان ترجمه تحت اللفظی و ترجمه آزاد است، مطلوب ترین و دقیق ترین روش برای ترجمه قرآن به شمار می‌آید، چرا که این نوع ترجمه در نهایت دقت و شیوایی صورت می‌گیرد. پیترو نیومارک در مورد این نوع ترجمه می‌گوید: "هدف از ترجمه وفادار آن است که معنای دقیق متن اصلی در چارچوب ساختارهای دستوری زبان مقصد باز آفریده شود. در این ترجمه واژه‌های فرهنگی تبدیل می‌شوند و نابهنجاری واژگانی و دستوری (انحراف از معیارهای زبان مقصد) ترجمه را برطرف می‌کند. در این روش ترجمه سعی بر وفاداری کامل به اهداف و مفهوم متن نویسنده زبان مبدأ است." (نیومارک، 1382: 57)

بیشتر ترجمه‌های فارسی قرآن کریم که در عصر حاضر صورت گرفته است بر این روش و ویژگی‌ها مبتنی بوده است. ترجمه‌های که در این بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم عبارتند از: ترجمه‌های اساتید محترم: عبدالمحمد آیتی، سید کاظم ارفع، مسعودانصاری خوشابری، حسین انصاریان، اصغر برزی، سید ابراهیم بروجردی، ابوالفضل بهرام پور، ابوالقاسم پاینده، کاظم پورجوادی، علی اصغر حلبی، محمد خواجه‌جوی، محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران، زین العابدین رهنما، جلال الدین فارسی، محمد مهدی فولادوند، احمد کاویانپور، سید جلال الدین مجتوبی و ناصر مکارم شیرازی.

اکنون ترجمه‌های مذکور را از منظرگاه یکسان‌سازی ترجمه اسم، فعل، و حرف مورد بررسی و شناخت قرار می‌دهیم:

3-1. ترجمه اسم‌های مشابه

«وکیل»: «فی أسماء الله تعالی الوکیل: هو المقيم الكفيل بأرزاق العباد، و حقیقته أنه يستقل بأمر الموكول إليه.» (راغب اصفهانی: 1412: 882)

«وکیل» در ترجمه:

1- «ارفع»: تکیه گاه (النساء/81)، نگهبان (الأنعام/102)، کارگزار (الإسراء/54)، محافظت (الإسراء/65)، مدافع (الأحزاب/3)، دفاع (الأحزاب/48)، وکیل (المزمل/9).

2- «پاینده»: تکیه گاه (النساء/81)، وکیل (النساء/109)، عهده‌دار (الأنعام/102)، کارگزار (الإسراء/54)، کارساز (الإسراء/65)، گواه (یوسف/66)، نگهبان (القصص/28).

3- «بروجردی»: یار و معین (النساء/81)، نگهبان (النساء/132)، حاکم و نگهبان (هود/12)، کارساز (الأحزاب/48)، شاهد و گواه (القصص/28)، نگهبان و حافظ (الزمر/62)، وکیل و نگهبان (المزمل/9).

4- «بهرامپور»: پشتیبان (النساء/81)، کار ساز (النساء/132)، نگهبان و مدبر (الأنعام/102)، نگهبان (الأحزاب/3)، حمایت (الأحزاب/48)، کارساز (المزمل/9) و...

همانطور که ملاحظه می‌شود واژه (وکیل) در بسیاری از آیات قرآن به یک لفظ و معنا به کار رفته است، این در حالی است که بیشتر مترجمان این واژه را به شکل‌های مختلف ترجمه کرده‌اند که بیانگر این مطلب است که آنان توجه زیادی به یکسان سازی مشابهاات در روند ترجمه قرآن کریم نداشته‌اند. قابل ذکر است که مترجم محترم رضایی و همکارانشان (ترجمه دسته جمعی)، توجه شایانی به اصل یکسان سازی در ترجمه قرآن داشته‌اند، برای نمونه آنان واژه «وکیل» را در همه جای قرآن کریم به «کارساز» ترجمه کرده‌اند، از جمله آیات النساء/81، و النساء/132، و الأنعام/102، و هود/12، و الإسراء/65، و الأحزاب/3، و الأحزاب/48، و الزمر/62، و المزمل/9.

«عزیز»: «العزیز: من صفات الله عزّ وجلّ و أسمائه الحسنی قال الزجاج: هو الممتنع فلا یغلبه شیء، و قال غیره: هو القوی الغالب کل شیء، و قیل: هو الذی لیس کمثله شیء.» (ابن منظور، 1414: 374)

(فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ O (البقرة/209)

و اگر پس از آمدن دلیل‌های روشن برای شما، لغزیدید پس بدانید که خدا، شکست ناپذیری فرزانه است. (رضایی) پس اگر بعد از آنکه نشانه‌های روشن برایتان آمد، [از جای] لغزیدید، بدانید که خداوند پیروزمند فرزانه است. (أنصاری)

«عزیز» در ترجمه فولادوند: توانا (التوبة/71)، نیرومند (الفتح/19)، ارجمند (فاطر/28)، شکست ناپذیر (مجادله/21).

(مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ O (الحج/74)

خدا را به حقیقت معرفتش نشناختند [چرا] که خدا قطعاً نیرومندی شکست ناپذیر است. (رضایی) خداوند را چنان که سزاوار اوست، قدر نشناختند. بی گمان خداوند توانای پیروزمند است. (أنصاری)

(كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ O (المجادلة/21)

خدا مقرر داشته که قطعاً من و فرستادگانم پیروز می‌شویم [چرا] که خدا نیرومندی شکست ناپذیر است. (رضایی) خداوند مقرر داشته است که به یقین من و رسولانم پیروز می‌شویم. بی گمان خداوند توانای پیروزمند است. (أنصاری)

اسماء الهی در بسیاری از آیات قرآن با لفظ و معنایی مشترک آمده، که در این خصوص آقایان رضایی و انصاری در تمام آیات به شکلی یکسان ترجمه می‌کنند. استاد رضایی در تمامی آیات با عبارت (شکست ناپذیر) و استاد انصاری به معنای (پیروزمند) ترجمه می‌کنند. و نیز ترجمه (عزیز) در دیگر آیات در ترجمه‌های رضایی و انصاری به همان معنای واحد ترجمه شده است، که در این فرصت محدود به مواضع آن در قرآن کریم اشاره می‌شود: البقرة/220، البقرة/228، البقرة/240، البقرة/260، آل عمران/4، المائدة/38، المائدة/95، الأذفال/10، الأذفال/49، الأذفال/63، الأذفال/67، التوبة/40، التوبة/71، الحج/40، لقمان/27، فاطر/28، و الحديد/25.

3-2. ترجمه افعال مشابه

(مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ O)

«ارفع»: زندگانی دنیا جز بهره برداری غرورآمیز نمی باشد. (آل عمران/185)، زندگانی دنیا فریبی بیش نیست. (الحدید/20).

«بروجردی»: زندگانی دنیا جز متاعی فریبنده نخواهد بود. (آل عمران/185)، زندگانی دنیا نیست جز بهره اندک و فریب دهنده. (الحدید/20).

«بهرام پور»: زندگی دنیا جز مایه فریب نیست. (آل عمران/185) ، و زندگانی دنیا جز کالای فریب نیست. (الحدید/20).

«پاینده»: زندگی اینجهان بجز مایه فریب نیست. (آل عمران/185)، زندگانی دنیا نیست مگر کالای فریب. (الحدید/20).

«حلبی»: و زندگانی دنیا جز بر خورداری فریبنده [ناپایدار چیزی] نیست. (آل عمران/185)، زندگانی دنیا جز کالای فریب نیست. (الحدید/20).

«فولادوند»: و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست. (آل عمران/185) ، زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست. (الحدید/20).

«کاویانپور»: زندگی این دنیا چیزی جز متاع غرور آمیز و فریبنده و بازیچه ای بیش نیست. (آل عمران/185) ، زندگانی این دنیا چیزی جز متاع فریبنده و غرور آمیز نیست. (الحدید/20) و...

«انصاری»: و زندگانی دنیا جز مایه فریب نیست. (آل عمران/185) و (الحدید/20).

«رضایی»: و زندگی پست (دنیا) جز کالای فریبنده نیست. (آل عمران/185) و (الحدید/20).

روشن است که عبارت (مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ O) در دو آیه مذکور به لفظ و معنای واحد به کار رفته است، در حالی که بیشتر مترجم های قرآن کریم از جمله آقایان: ارفع و بروجردی و... این عبارت را به دو شکل متفاوت ترجمه کرده اند که نشان می دهد آنان توجه زیادی به اصل یکسان سازی در ترجمه ندارند. شایان ذکر است که تنها در ترجمه آقایان رضایی و انصاری است که اصل یکسان سازی و منسجم کردن ترجمه مورد توجه قرار گرفته است. به همین جهت ملاحظ می شود که این دو مترجم عبارت مذکور را در هر دو آیه به یک شکل ترجمه کرده اند.

(لَا يَشْكُرُونَ و یا يشكرون O در ترجمه های:

«بهرام پور»: سپاس نمی گزارند (البقرة/243)، سپاسگزار نیستند (یونس/60)، ناسپاسند (یوسف/38)، شکر نمی گزارند (یس/73)، سپاس نمی دارند (النمل/73).

«فولادوند»: سپاسگزاری نمی کنند (البقرة/243)، سپاس نمی دارند (النمل/73)، سپاس نمی گزارند (یس/35)، شکرگزار نیستید (یس/73).

«کاویانپور»: سپاسگزار نیستند (البقرة/243)، شکرگزار نیستند (یوسف/38)، شکر نعمت تو بجای آورند (ابراهیم/37).

افعال «یشکرون ولایشکرون» در آیات متعددی بیان شده، و ترجمه‌های مذکور بیانگر این مطلب است که ترجمه‌های وفادار این افعال مشابه را با الفاظی متفاوت معنی کرده‌اند. شایان ذکر است که آقای انصاری با اهتمام و توجه وافر به این مسأله، افعال مذکور را با عبارت یکسان (سپاس نمی‌گذارند) ترجمه می‌کند.

3-3. ترجمه حروف مشابه

با اینکه یکسان سازی در ترجمه حروف مشابه موجب انسجام بیشتر متن ترجمه با نص قرآن می‌گردد، اما با این وجود ترجمه‌های وفادار، اهمیت و ارزش فراوانی برای ترجمه حروف مشابه (لفظ و معنی واحد) قائل نیستند. موارد زیر نمونه‌هایی از عدم توجه ترجمه‌های وفادار به یکسان سازی حروف مشابه قرآنی است:

- من بعضیه در ترجمه‌های آیتی وانصاریان و...:

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ O (الحج/8)

از مردم کسی است که... (آیتی). و از مردمان کسی است که... (انصاریان). و از مردم کسی هست که... (برزی). بعضی از مردم... (بروجردی). و از میان مردم کسی است که... (بهرام پور). و گروهی از مردم... (مکارم). گروهی از مردم... (ارفع).

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ... O (الحج/11)

و از میان مردم کسی است که... (آیتی). و برخی از مردمانند که... (انصاریان). و کسی از مردم هست که... (برزی). از افراد مردم خدا... (بروجردی). و از مردم کسی است که... (بهرام پور). بعضی از مردم... (مکارم). بعضی از مردم... (ارفع). با بررسی ترجمه‌های مذکور مشخص می‌شود که آقایان آیتی، انصاریان، و... در ترجمه (من بعضیه) از تعابیر متفاوتی استفاده کرده‌اند، این درحالی است که این حرف با لفظ و معنای مشترک و واحدی در قرآن به کار رفته است.

ترجمه «بلی»:

(وَإِذِ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تَحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُوَلِّمُكَ تَوَمِّنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ

فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ O (البقرة/260)

ابراهیم گفت: ای پروردگار من، به من بنمای که مردگان را چگونه زنده می‌سازی. گفت: آیا هنوز ایمان نیاورده‌ای؟ گفت: بلی، و لکن می‌خواهم که دلم آرام یابد. گفت: چهار پرنده بگیر و گوشت آنها را به هم بیامیز، و هر جزئی از آنها را بر کوهی بنه. پس آنها را فراخوان. شتابان نزد تو می‌آیند، و بدان که خدا پیروزمند و حکیم است. (آیتی)

... گفتچرا و لکن برای اطمینان قلبم می‌خواهم... (ارفع)

... گفت: چرا، ولی [مشاهده این حقیقت را خواستم] تا قلبم آرامش یابد... (انصاریان)

... ابراهیم گفت: «چرا، ولی برای این که دلم آرامش یابد...» (برزی)

... گفت چرا ولی می‌خواهم دلم آرام گیرد... (بروجردی)

... گفت: چرا، ولی از آن جهت که دلم مطمئن شود... (بهرام پور)

... گفت: چرا، ولی [سؤال می‌کنم] برای اینکه دلم آرام گیرد... (حلبی)

... گفت: چرا، ولی [می‌خواهم] تا دلم آرام گیرد... (انصاری)

«عرض کرد:» آری، و لیکن [می‌خواهم] که دلم آرامش یابد... (رضایی) و...»

(وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ O (الأنعام/30))

و اگر ببینی آن هنگام را که در برابر پروردگارشان ایستاده‌اند، خدا می‌گوید: آیا این به حق نبود؟ گویند: آری، سوگند به پروردگاران. گوید: به کیفر آنکه کافر بوده‌اید عذاب خدا را بچشید (آیتی)

... گویند: پروردگارا! آری... (ارفع)

می‌گویند: سوگند به پروردگاران حق است... (انصاریان) ...

... گویند: «آری، سوگند به پروردگاران که حق است... (برزی)

جواب دهند بلی... (بروجردی) ...

گویند: آری... (حلبی)...

... گویند: آری... (انصاری)

... می‌گویند: چرا... (رضایی) و...»

چنان که مشهود است (بلی) در این دو آیه حرف جواب و دارای معنایی واحد است. اما ترجمه‌های اساتید آیتی، ارفع، و... این کلمه را با الفاظی مختلف معنا کرده‌اند.

مطالب مندرج در جدول زیر دستاورد دیگری از نویسندگان است که در خلال بررسی آیات پیشین به دست آمده است:

موارد مشابه	یکسان سازی در ترجمه	توضیحات
اسم‌ها	—	بیشتر مترجمان توجهی به این اصل ندارند، و تنها ترجمه آقایان رضایی و انصاری است که یکسان سازی در ترجمه اسم‌های مشابه را رعایت می‌کند.
فعل‌ها	—	بیشتر مترجمان توجهی به این اصل ندارند، و تنها ترجمه آقایان رضایی و انصاری است که یکسان سازی در ترجمه فعل‌های مشابه را رعایت می‌کند.

عمده مترجمان توجهی به این اصل ندارند، و تنها ترجمه آقایان رضایی و انصاری است که یک سان سازی در ترجمه حروف مشابه را رعایت می‌کند.	_	حروف
--	---	------

4. ترجمه‌های تفسیری

ترجمه‌های که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته، چه ترجمه‌های تحت اللفظی و چه ترجمه‌های معادل، همگی در شمار ترجمه‌های متن محور بوده است، ولی باید گفت به جز این ترجمه‌ها، ترجمه‌های دیگری نیز از قرآن کریم صورت گرفته است که از جمله این ترجمه‌ها، می‌توان به ترجمه‌های تفسیری اشاره نمود. ترجمه تفسیری که ما آن را در این پژوهش آن را ترجمه آزاد نیز می‌نامیم، نقطه مقابل ترجمه تحت اللفظی و یا به طور کلی ترجمه متن محور است. بسیاری از مترجمان قرآن کریم در عصر حاضر پیرو و طرفدار این شیوه از ترجمه - ترجمه تفسیری و یا آزاد - بوده‌اند، از آن جهت که هدف اساسی در این روش ترجمه تنها انتقال معنا، محتوا و پیام متن مبدأ و نیز روان بودن و عامه فهم بودن متن مقصد می‌باشد. نیومارک در تعریف چنین ترجمه‌ای می‌گوید: ((در ترجمه آزاد موضوع جدای از حالت یا به عبارتی محتوی بدون قالب متن اصلی بازنویسی می‌شود. معمولاً ترجمه آزاد باز گفته‌ای است که طولانی تر از متن اصلی است و در اصطلاح به آن ترجمه "میان زبانی" گفته می‌شود و اغلب طولانی و پر تکلف است و اصلاً ترجمه نیست.)) (نیومارک، 1382: 58) بدین سان آنچه در ترجمه تفسیری اهمیت نخستین دارد، پیام و محتوای متن مبدأ و پایبندی به ساختارهای زبانی زبان مقصد است. بدین گونه که نخست محتوا و معانی و یا پیام زبان مبدأ به طور دقیق از زبان اول برهنه می‌شود و در ذهن مترجم جای می‌گیرد، سپس این محتوا و یا پیام با دقت به لباس زبان دوم آراسته می‌شود و هر جمله زبان مبدأ در قالب یک جمله زبان مقصد بیان می‌گردد.

ترجمه‌های تفسیری که در عصر حاضر انجام پذیرفته است عبارتند از:

ترجمه استاد مهدی الهی قمشه‌ای // تفسیر خسروی از علیرضا میرزا خسروانی // ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام // ترجمه عبدالمجید صادق نوبری // ترجمه محمود یا سری // ترجمه مشکینی // ترجمه طاهره صفار زاده // ترجمه محمد صفوی (براساس میزان).

4-1. ترجمه اسم‌های مشابه:

«وکیل» در ترجمه: «الهی»: نگهبان (الأنعام / 102)، حاکم و نگهبان (هود/ 12)، وکیل و گواه (یوسف/ 66)، وکیل (القصص / 28).

«خسروی»: وکیل بر حق و حافظ و نگهبان و متولی تمام امور و محیط بر تمام اشیاء (الأنعام/ 102)، حافظ و نگهبان و وکیل و مراقب (هود/ 12)، وکیل و شاهد و مراقب (یوسف/ 66)، شاهد (القصص / 28)، نگهبان و مدبر همه اشیاء (الزمر/ 62).

«فیض الاسلام»: متولّی و کارساز و حافظ و نگهبان (الأنعام/102) حافظ و نگهبان (هود/12)، شاهد و گواه و حافظ و نگهبان (یوسف/66)، گواه (القصص / 28)، وکیل و کارپرداز (الزمر/62).

«مشکینی»: نگهبان و مدبّر و متولّی نظام هر چیز (الأنعام / 102)، ناظر و نگهبان (هود/12)، وکیل و ناظر (یوسف/66)، وکیل (القصص / 28)، متکفل تدبیر همه چیز (الزمر/62).

«نوبری»: وکیل همه چیز و متصرف در امور (الأنعام / 102)، وکیل (هود/12)، مراقب و مطلع (یوسف/66)، حافظ و نگهدار (الزمر/62).

«سفارزاده»: سرپرست و حامی (الأنعام / 102)، صاحب و سرپرست (هود / 12)، شاهد (یوسف/66)، گواه (القصص / 28)، سرپرست و صاحب (الزمر/62).

«صفوی»: عهده دار (الأنعام / 102)، کارساز و تدبیر کننده (هود / 12)، ناظر و نگهبان (یوسف / 66)، شاهد (القصص / 28)، کارگزار و تدبیر کننده (الزمر/62).

«یاسری»: نگهبان (الأنعام/102)، وکیل (القصص/28).

ملاحظه می‌شود که واژه (وکیل) در بیشتر موارد به یک لفظ و معنا به کار رفته است، این در حالی است که ترجمه‌های تفسیری این واژه را به اشکال مختلفی ترجمه کرده‌اند که نشان می‌دهد این ترجمه‌ها توجه زیادی به یکسان سازی اسم‌های مشترک در ترجمه قرآن ندارند.

«عَزِيزٌ»:

«خسروی»: بر امر خود غالب است (البقره/209)، عزیز است یعنی مغلوب شدنی نیست (البقره/240)، غالب بر هر امری (الأنفال/10)، عزیز است و غالب بر هر امری است (الأنفال/49).

«فیض الإسلام»: غالب و توانا (البقره/209)، توانا (البقره/220)، قادر و توانا (آل عمران/3)، غالب و چیره (الأنفال/67).

«مشکینی»: مقتدر (البقره/209)، توانا (البقره/240)، مقتدر شکست‌ناپذیر (البقره/260)، مقتدر غالب (المائدة/38)، غالب مقتدر (الأنفال/49)، غالب شکست‌ناپذیر (الحج/74).

«یاسری»: غالب و قاهر (البقره/209)، غالب (البقره/220)، قادر (البقره/228)، عزیز (البقره/240)، نیرومند (المائدة/38).

با توجه به آیات قرآن، در موارد بسیاری - نه همه موارد - واژه (عزیز) با لفظ و معنای یکسان آمده است، اما مترجمان مذکور بدون اهمیت به این مسأله، اسامی مشترک الهی را با تعابیر و الفاظ گوناگون ترجمه کرده‌اند که می‌تواند بیانگر عدم توجه آنان به اصل یکسان سازی در ترجمه اسم‌های مشترک باشد.

«يَخْشَوْنَ» در ترجمه: «خسروی»: بیمناک شدند (النساء/77)، بیم و خشیت دارند (الرعد/21)، ترسانند (الأنبياء/49)، می ترسند (الزمر/23).

«صفارزاده»: می ترسند (الرعد/21)، خدا ترس هستند (الأنبياء/49)، باک ندارند (الأحزاب/39)، می پرهیزند (فاطر/18).

«مشکینی»: می هراسند (الرعد/21)، می ترسند (الأنبياء/49).

«نوبری»: می ترسند (فاطر/18)، خوف می کنند (الملك/12).

«يَتَّقُونَ» در ترجمه: «خسروی»: تقوی اختیار کردند (الأنعام/32)، پروا و پرهیز داشتن (الأنفال/56)، خدا ترس هستند (یونس/6)، پرهیزکاراند (یونس/63)، پرهیزکاری پیشه کنند (یوسف/57)، پرهیز می کنند (النمل/53)، تقوی و پرهیز اختیار کردند (فصلت/18).

« صفارزاده»: پرهیزگاران (الأنعام/32)، پرهیزگاری پیشه کنند (الأنعام/51)، اهل تقوی - تقوا پیشه کنند (الأنعام/69)، پرهیزکاری می کردند (فصلت/18).

«صفوی»: بترسند و بپرهیزند (طه/113)، راه تقوی در پیش گیرند (الزمر/28)، پروا کردن (الشعراء/11)، تقوا پیشه می کنند (فصلت/18).

«فیض الاسلام»: پرهیز کاراند (یونس/6)، پرهیز نموده و می ترسند (یونس/63)، می پرهیزند (یوسف/57)، ترسیدن (الشعراء/11)، پرهیز می کنند (فصلت/18).

«مشکینی»: پروا پیشه می کنند (الأنعام/32)، بپرهیزند (الأنعام/51)، تقوا می ورزند (الأعراف/156)، پروا کنند (الأعراف/164)، تقوی پیشه داشتند (النمل/53)، پروا پیشه بودند (فصلت/18).

روشن است که در آیه‌های بالا، فعل (يَتَّقُونَ) در بیشتر موارد به لفظ و معنای واحد به کار رفته است، درحالی که ترجمه‌های تفسیری هر یک، آن را به اشکال گوناگونی ترجمه کرده است که بیانگر این واقعیت می‌تواند باشد که این ترجمه‌ها تلاش زیادی برای یکسان سازی مشابهاات قرآنی نداشته‌اند.

3-4. ترجمه حروف:

(وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ O) (الحجر/85)

... ساعت یعنی مرگ یا روز قیامت (که هر آن توقع و انتظار وقوع آن هست) لا محاله آمدنی است... (خسروی)

... بی تردید قیامت آمدنی است... (مشکینی)

در حقیقت روز قیامت یقیناً واقع خواهد شد... (نوبری) ...

... و قیامت البته آینده است... (یاسری)

(إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ O) (غافر/59)

... حقاً که ساعت یعنی روز قیامت آمدنی است... (خسروی)

... به یقین روز قیامت آمدنی است... (مشکینی)

(یا محمد) البته قیامت آمدنی است... (نوبری)

... البته قیامت آینده است... (یاسری)

ملاحظه می شود که ادوات تاکید (ان) و (اللام) در این دو آیه، با لفظی واحد و معنایی یکسان تکرار شده است، اما ترجمه‌های مذکور مبین این مطلب است که ترجمه‌های تفسیری، به طور کلی توجه کافی به اصل یکسان سازی ترجمه حروف نداشته‌اند. به همین دلیل مشاهده می‌گردد که مترجمان مذکور ادوات تاکید یاد شده را به اشکال مختلفی به زبان فارسی برگردان نموده‌اند.

(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) O (القدر/1)

بدرستیکه ما نازل کردیم قرآن را در شب قدر... (خسروی)

محققاً ما قرآن را... (فیض الإسلام)

(یا محمد) در حقیقت ما ابتدای این قرآن را... (نوبری)

البته ما فرستادیم قرآن را... (یاسری)

همانا ما قرآن مجید را... (صفارزاده)

به یقین ما این (قرآن) را در شب قدر فرو فرستادیم... (مشکینی)

(إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ... O (المائدة/44)

ما تورا را فرستادیم که در آن هدی... (خسروی)

ما تورات را نازل کرده‌ایم که در آن هدایت و نور است... (نوبری)

ما فرستادیم تورات را که... (یاسری)

پس از آن در شأن و بزرگی تورا میفرماید: ما تورا را (بر بنی اسرائیل) فرستادیم... (فیض الإسلام)...

به یقین ما تورات را فرو فرستادیم که در آن هدایت و نور بود... (مشکینی)

ما تورات را که در آن هدایت و نور بود، [بر موسی] نازل فرمودیم... (صفارزاده)

نظر به آیات مزبور که همراه با ادوات تاکید (ان) تکرار شده‌اند، و از معانی واحد با الفاظ یکسان برخوردارند، انتظار می‌رود تا مترجمان یاد شده نیز این ادوات را به همان شکلی که در قرآن بیان شده است، یکدست و به لفظ واحد به زبان فارسی انتقال دهند، اما با این وجود ملاحظه می‌گردد که ترجمه‌های خسروی، و فیض الإسلام، و... در آیه اول، ادوات تاکید مذکور را با الفاظ (به یقین، به درستی که، و...) ترجمه می‌کنند و اما بار دیگر در آیه دوم بدون در نظر گرفتن ادوات مذکور به ترجمه آیه می‌پردازند که این روش گواهِ بر عدم اهتمام کافی آنان بر اصول یکسان سازی دارد. همچنین شایان ذکر است که تنها استاد مشکینی، ترجمه هر دو آیه را با تاکید (به یقین) بیان می‌کند.

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَّيْتُ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) O (الأنفال/2)

مؤمنان تنها کسانی هستند که چون یاد خدا به میان آید دل‌هایشان می‌ترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می‌افزاید، و همواره بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (مشکینی)

مؤمنان حقیقی آنان هستند که چون ذکری از خدا شود... (الهی)

همانا، مؤمنین اشخاصی هستند که چون نام خداوند تعالی نزد آنها ذکر شد... (نوبری)

و اما مؤمنان فقط کسانی هستند... (خسروی)

... جز این نیست که مؤمنین و گروندگان (بخدا و رسول) آنانند که... (فیض الإسلام)

البته مؤمن آنانند که اگر ذکر خدا شود... (یاسری)

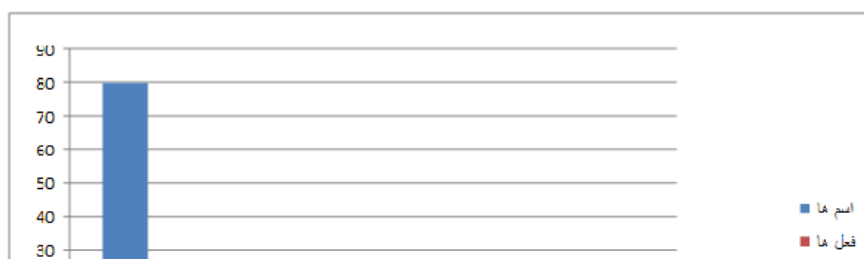
مؤمنان راستین فقط کسانی هستند که وقتی... (صفوی)

با عنایت به آیات مذکور مشخص می‌شود که (انما) ادات حصر تاکیددی و با لفظ و معنایی واحد است، اما در ترجمه‌های آقایان مشکینی، الهی و... این لفظ، به اشکال مختلف و بدون در نظر گرفتن معنای حصری آن ترجمه شده است. در این میان تنها، ترجمه فیض الاسلام است که توجه کافی به ادات حصر بودن این لفظ داشته و آنرا به (جزاین نیست) برگردان نموده است.

نتیجه

مقاله حاضر به پژوهشی در یکسان سازی ترجمه در ترجمه‌های سه گانه تحت اللفظی، وفادار و تفسیری اختصاص داشت، در نهایت، با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این سه نوع ترجمه در میان ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، نتایج زیر به دست آمد:

1. ترجمه‌های تحت اللفظی همان گونه که از اسم آن پیداست، باید بالاترین میزان مطابقت را با نصّ قرآن داشته و اصل یکسان سازی را نیز در ترجمه رعایت نمایند، ولی با این وجود ملاحظه گشت که این ترجمه‌ها تنها در ترجمه اسم‌های مشترک به این مسأله توجه داشته‌اند به گونه‌ای که ترجمه‌های افعال و حروف مشترک قرآنی را به اشکال متفاوتی ترجمه کرده‌اند که حاکی از عدم توجه همیشگی آنها به اصل یکسان سازی و انسجام در ترجمه قرآن می‌باشد.
2. در میان ترجمه‌های وفادار نیز تنها ترجمه رضایی اصفهانی و ترجمه انصاری است که این یکسان سازی در ترجمه‌های مشترکات قرآنی را رعایت کرده‌اند و دیگر ترجمه‌ها توجه‌ای به این مسأله نداشته‌اند.
3. هیچ‌یک از مترجمان در ترجمه‌های تفسیری توجه‌ای به این اصل ندارند، به گونه‌ای که آنان اسم‌ها، افعال و حروف مشابه را به شکل‌های گوناگون به زبان فارسی برگردان می‌نمایند.
4. با توجه به مباحث مطرح شده در بررسی یکسان سازی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، در فرجام سخن نموداری سامان دهی شده است که بیانگر بررسی اجمالی از تطبیق و مقایسه‌ی بین شیوه‌های یکسان سازی در ترجمه‌های سه گانه قرآن می‌باشد:



بر اساس بررسی و نمونه برداری از موارد و مولفه‌های یکسان سازی در ترجمه‌های سه گانه قرآن کریم که در نمودار فوق به نمایش در آمده است؛ نکات ذیل را می‌توان جهت ارزیابی دقیق از گزاره‌های یکسان سازی بیان داشت:

الف: با توجه به نمودار بالا، در ترجمه‌های تحت اللفظی، میزان دقت در ترجمه اسم‌ها 80٪ بوده که بالاترین توجه را به نمایش گذاشته‌اند، اما در ترجمه افعال و حروف مشابه، تنها 20٪ با اصل یکسان سازی همخوانی دارند.

ب: همان گونه که از چارت میانی پیداست ترجمه‌های وفادار، ترجمه گزاره‌های اسم، فعل و حروف مشترک در نصّ قرآنی را توجهی همانند و همسان با یکدیگر داشته‌اند، چنان که در ترجمه تمامی مولفه‌های یکسان سازی، تنها 20٪ مورد توجه و اهمیت این مترجمان بوده است.

ج: در نهایت ترجمه‌های تفسیری هستند که اصل یکسان سازی در آن‌ها بسیار کم اهمیت جلوه کرده است؛ چنان که ترجمه اسم‌ها با کم‌ترین مورد یعنی 2٪ و ترجمه افعال و حروف مشترک با 10٪ در مرتبه بعدی گواه بر این مدعا است.

منابع

«قرآن کریم»

1. ابن منظور، محمد بن مكرم، 1414ق، *لسان العرب*، بيروت، دارصادر.
2. أرفع، سيد كاظم، 1381ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، تهران: موسسه تحقيقاتی و انتشاراتی فيض كاشانی.
3. اشرفی تبریزی، محمود، 1380ش، *ترجمه قرآن*، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات جاويدان.
4. الافغانی، احمد سعيد بن محمد، 1424ق، *الموجز فی قواعد اللغة العربيه*، بيروت: دارالفكر.
5. أنصاری خوشابر، مسعود، 1377ش، *ترجمه قرآن*، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
6. أنصاریان، حسین، 1383ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول.
7. آیتی، عبدالمحمد، 1374ش، *ترجمه قرآن*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
8. برزی، أصغر، 1382ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، تهران: بنیاد قرآن.
9. پاینده، ابوالقاسم، (بی تا)، *ترجمه قرآن*.
10. دهلوی، شاه ولی الله، 1417ق، *فتح الرحمن بترجمه القرآن* (تحقیق عبد الغفور عبد الحق بلوچ و شیخ محمد علی). الطبعة الأولى، مدینه: مجمع ملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
11. الراغب الأصفهانی، ابوالقاسم، 1412ق، *المفردات فی غریب القرآن*، المحقق: صفوان عدنان الداودی، دمشق، الدارالشامیه.
12. رضایی اصفهانی، محمد علی وهمکاران، 1383ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، قم: موسسه تحقيقاتی فرهنگی دار الذکر.
13. رهنما، زین العابدین، 1346ش، *ترجمه و تفسیر قرآن*، تهران: انتشارات کیهان، .
14. سیبویه، عمرو بن عثمان، 1408ق، *الکتاب* (تحقیق عبدالسلام محمد هارون)، قاهره: مکتبه الخانجی.
15. شعرانی، ابوالحسن، 1374ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامیة.
16. صادق نوبری، عبدالمجید، 1396ق، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
17. صفارزاده، طاهره، 1380ش، *ترجمه قرآن*، چاپ دوم، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوش.
18. صفوی، محمد رضا، 1385ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، قم: اسراء.
19. کاویانپور، أحمد، 1378ش، *ترجمه قرآن*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، چاپ سوم.
20. مجتبیوی، سید جلال الدین، 1371ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، تهران: انتشارات حکمت.
21. مشکینی، علی، 1381ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، قم: الهادی.
22. مصباح زاده، عباس، 1380ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاويدان.
23. معزی، محمدکاظم، 1372ش، *ترجمه قرآن*، چاپ اول، قم: انتشارات اسوه.
24. مکارم شیرازی، ناصر، 1373ش، *ترجمه قرآن*، چاپ دوم، قم: دار القرآن الکریم.
25. میرزا خسروانی، علیرضا، 1390ق، *تفسیر خسروی*، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامیة.
26. نیومارک، پیتر، *دوره آموزش فنون ترجمه ویژه مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد* (مترجمان: دکتر منصور فهیم، سعید سبزیان)، 1382ش، تهران: رهنما.
27. الهی قمشه ای، مهدی، 1375ش، *ترجمه قرآن*، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ.